

پیشگفتار:

عکس این کشور در جنگ و خونریزی، رکود اقتصادی، خفقان اجتماعی و سیاسی فرورفت. ناگواری این پدیده‌ی سیاسی و تاریخی با گزارش‌های برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سوم اسلامی افغانستان از شبکه‌های خبر رسانی برخی از کشورها به خوبی نمایان می‌گردد. مثلاً برخی از گزارشگران خبر می‌دادند که این اولین قانون اساسی افغانستان است. و این اولین انتخاباتی می‌باشد که در این سرزمین صورت گرفته است، و از همین گونه اخبار زیاد در حالی که چنین قضاوت‌ها عادلانه نیست، اگر ما با یک نظر اجمالی به تاریخ قانون گذاری - در افغانستان بپردازیم، این واقعیت به خوبی روشن می‌گردد که افغانستان خیلی پیشتر از برخی کشورهای که مأمورین آن‌ها ناظر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ما بودند، دارای قانون اساسی بوده است، و حتی در برخی از موارد مواد قوانین اساسی قبلی افغانستان گنجانده شده بود، و در بسا موارد، قوانین گذشته‌ی ما از نگاه معیارهای مدنی خیلی پیشرفته‌تر از قانون اساسی جدید است.

دکترین سیاست اقتصادی جهان

گرای لیبرالیسم نوین

و دولت‌سازی در جهان محروم

۱- در افغانستان:

در سده‌ی گذشته و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم - چه در حوزه‌ی علوم پژوهشی، علوم اجتماعی و انسانی، به خصوص جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، و چه در حوزه امور سیاست و دولتمداری - گرایش‌های مکتبی اهمیت فراوان داشته‌اند. هر پژوهنده‌ی جدی، گرایشی آشکار به یکی از مکاتب فکری و یا گرایش‌های نظری را زمینه‌ی کاری خود قرار می‌داد. هم‌چنان برخی از دولت‌ها با گرایش‌های مکتبی و سیاسی خاصی حکمروایی می‌نمودند. بعد از سقوط شوروی سابق و آزاد شدن کشورهای اروپای شرقی و انکشاف شبکه‌ی الکترونیکی و نرم افزارهای کمپیوتری و شبکه‌های خبر رسانی الکترونیکی، جوامع استبدادی و بسته، آهسته آهسته - خواسته یا ناخواسته - بازتر گردیدند. ولی در ایالات متحده‌ی آمریکا برعکس به خاطر بحران اقتصادی و تجمع

اصطلاح تاریخی و سیاسی جمهوری سوم بر ساختار سیاسی کشور فرانسه اطلاق می‌گردد. ریشه‌ی اصلی و تاریخی نظام جمهوری سوم در فرانسه بعد از سقوط نظام شاهی ناپلئون و پناهنده شدن او در جزیره‌ی البارا در ایتالیا قرن هیجدهم بوجود آمده است. تشکیل این نظام ثمره‌ای بود که از جریان‌های روشنفکری اصحاب دایرةالمعارف که رهبری فکری را در فرانسه در دست داشتند حصول گردیده است. البته هدف از این اشاره مقایسه‌ی ساختارهای سیاسی نظام جمهوری فرانسه با نظام جمهوری کنونی افغانستان نیست. برای اینکه در فرانسه نظام سیاسی در اثر جریان‌های روشنگری به شکل (حکومت غیر دینی) به وجود آمده است، در حالیکه برعکس در افغانستان جمهوری سوم بعد از بیست هفت سال جنگ و خون‌ریزی با تصویب قانون اساسی جدید به همپاری حکومت آمریکا و کشورهای اروپایی برپا گردیده و شکل آن جمهوری اسلامی است. چنین نظامی با این نام و ساختار در افغانستان از نگاه سیاسی، ریشه‌ی تاریخی ندارد. از این رهگذر خواستیم، تا از چگونگی ماجرای رسیدن به این جمهوری در افغانستان در مجله فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی آشیان که بر حق صحیفه‌ای زیباست، صحبتی داشته باشیم.

طرح مسئله:

به راستی وقتی که کاستی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی امر وزین جامعه‌ی ویران ما افغان‌ها بعد از سقوط (امارت اسلامی) و باز شدن دروازه‌های افغانستان به روی پناهندگان افغان و خارجی‌ها به وضاحت بیشتر نمایان گردیده است، این پرسش در ذهن برخی از پژوهشگران افغان و خارجی‌ها خطور می‌کند که چرا با این همه تلاش‌ها و قربانی‌ها، این کشور زیادتر از نیم قرن به این سو در گردونه‌ی بسته چرخیده و از چنبره‌ی واپسمانی‌هایی نیافته است. به ویژه آن که تحولات تاریخ معاصر افغانستان این را می‌رساند که زمینه‌ی پیوند یافتن با پیشرفت‌ها و تحولات جهانی در اواخر سده‌ی گذشته‌ی میلادی حد اقل در سطح جهان سوم با قید و محدودیت‌های شبه جامعه‌نویین فراهم گردیده بود که می‌توانست با دستاوردهای نسبی به سوی نگرش نوین فرهنگی و اقتصادی از آن بهره‌گیرد؛ ولی چنین نشد. بر

کردن این دکترین در افغانستان، بسیار ساده صورت گرفت؛ چون این کشور در سی سال اخیر به خاطر جنگ و خون ریزی، توان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را از دست داده بود. سقوط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این کشور زمینه‌ای را فراهم ساخت تا با پیاده کردن این دکترین در کشوری چون افغانستان، نمونه‌ای بارز از موفقیت این دکترین در جهان محروم به نمایش گذاشته شود. در حالی که در پشت تمام این نیرنگ‌های سیاسی، بازم در درازمدت، همانا منافع اقتصادی نهفته است که پیروزمند بدرخواهد شد. افغانستان، بدون احتمال صادرات گاز طبیعی و منابع دیگر انرژی آسیای میانه به سوی جنوب در این دکترین جایگاهی خوب نمی‌توانست داشته باشد.

دکترین دموکراسی برای جهان محروم، از جانب پاول ولفویز - معاون وزارت دفاع امریکا و طراح اصلی حمله‌ی نظامی امریکا به عراق - در یک گردهمایی بعد از دیدار او از عراق در بهار ۲۰۰۴ در دانشگاه جان هابکین در ایالت مریلند تشریح گردید. هم چنان صحبت از این دکترین بارها از جانب ریچارد پریل و معاون رئیس جمهور و دیگر افراد بلند پایه‌ی ی قصر سفید نیز به میان آمده است. این یک دکترین نو نیست. در میان سال‌های ۶۰ و ۷۰ سده‌ی گذشته، برخی از کشورهای اروپایی، آرزوی پیاده ساختن روند دموکراسی برای جهان محروم را در سر می‌پروراندند؛ حتی به نوعی در فیصله‌نامه‌ی «کلوب روم» که بعد ها به آیین‌نامه‌ی بازار مشترک اروپا انجامید، هم چون یادداشتی ذکر شده است. البته هدف این دکترین از عصر پایه‌گذاری اقتصاد لیبرالیسم، توسط اندیشمندان آن آدم اسمیت، تا امروز به دور یک هدف مشخص می‌چرخد و آن پروسه‌ی تبادله‌ی ناموزون مواد خام به نفع سرمایه‌های بزرگ کشورهای صنعتی است.

استقرار نظام سیاسی از طریق آرای عامه‌ی مردم، نظریه‌ای نیک است که مردم جهان محروم از صد سال به این سو به خاطر این آرمان پاک خون داده‌اند. این اندیشه زیادتر از دوصد سال پیش در آوان طرح جمهوری سوم

بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان در افغانستان و جایگزین ساختن نظام نوین سیاسی، برخی از طراحان سیاسی امریکا، دکترین «سیاست اقتصادی جهان‌گرای لیبرالیسم نوین» را برای تطبیق در این کشور مطرح می‌نمایند. این دکترین سیاست جهانی امریکا که در افغانستان نظر به شرایطی خاص، زمینه‌ی عملی پیدا می‌کند، در قالب روند دموکراسی برای افغانستان مورد اجرا قرار داده شده است. طراحان اصلی این دکترین که برخی از آنان از جمله روشنفکران جناح راست در حکومت کنونی امریکا هستند، به این باور اند که باید در برخی از کشورهای محروم، دولت‌ها از شکل سنتی به شکل مدرن گذار کنند. به باور این‌ها، دولت‌های برخی از کشورهای محروم دیگر نمی‌توانند با تکیه بر قدرت سیاسی حاکم، فقط با استفاده از نیروی زور پایدار بمانند. پس ناگزیر، باید اشکال جدید دولت‌داری جای دیکتاتوران را پر کنند. این دولت‌های نوین، می‌باید با نوعی توجیه اخلاقی نیز همراه باشند تا از دید شهروندان خود مشروع جلوه کنند. اگر این دولت‌ها، در حلقه‌ی سیاست اقتصادی جهان‌گرای لیبرالیسم نوین از حمایت دولت امریکا و بانک جهانی و شرکت‌های بزرگ برای سرمایه‌گذاری در بخش منابع طبیعی شان برخوردار باشند، در آن صورت قادر خواهند بود تا بر مبنای اساسات اخلاقی، مشروعیت خود را از طریق آرای عامه که بنیاد و تکیه‌گاه اصلی قدرت حاکمه است، حاصل کنند. اگر دولت‌های نوین در برخی کشورهای محروم برپایه‌ی چنین پروسه‌ی اجتماعی تشکیل‌گردند، در آن صورت در مقابل شهروندان خود از مشروعیت برخوردار خواهند شد. این پروسه باعث بالندگی اجتماعی و رشد اقتصادی برخی از کشورهای محروم خواهد شد و از انگیزه و شدت احساسات تروریستی علیه دولت امریکا خواهد کاست. برای عملی کردن چنین دکترینی، استفاده از نیروی نظامی امریکا در خارج از سرزمین آن مانعی ندارد.

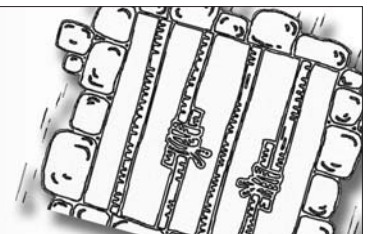
مبازه علیه تروریسم جهانی در افغانستان با سرنگونی رژیم طالبان آغاز شد و مؤفق هم بود. عملی

روند مفاد بیشتر سرمایه به نفع شرکت‌های بزرگ، حکومت امریکا با گرایش‌های سیاسی مکتبی و مذهبی دست راستی برنامه‌ی زمام‌داری را پیش گرفت. سیاست دولتمردان امریکا در داخل، بر اساس تکیه به کلیسا استوار است. ستم‌گرایی حقوقی علیه جوامع کوچک همجنس‌بازان زن و مرد در این کشورها اینک یک امر طبیعی پنداشته می‌شود و حذف قانون اختیارات سقط جنین از زن‌ها، به پیشه سیاسی این حکمرانان مبدل شده است. گروهی که در کاخ سفید حکومت می‌کنند، از جناح راست حزب جمهوری خواه امریکا و تربیه‌شدگان دوران ریاست جمهوری ریگان می‌باشند. طراحان سیاست کنونی امریکا هر کدام زمانی را در رهبری شرکت‌های بزرگ نفتی و صنایع تولیدات اسلحه و ساختمانی گذرانیده‌اند. این گروه از لحظه‌ی نخست در روابط بین‌المللی روحیه‌ای سرد در مقابل نهاد‌های بین‌المللی، انسانی، محیط‌زیستی و کشورهای محروم از خود نشان داده‌اند. از آنجایی که بحران اقتصادی به طور مرحله‌ای پاشنه‌ی آجیل جوامع صنعتی سرمایه‌داری است، با آغاز امپراطوری بوش دوم اثرات بحران اقتصادی در سهام شرکت‌های بزرگ فراملی (چندملیتی) در نیویارک، ظهور نمود و بر مسیری که این حکومت در پیش گرفته بود بسیار اثر گذاشت و آن را تا حدی دگرگون کرد.

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زمینه‌ای خوب بود برای پیاده کردن دوباره‌ی سیاست‌های تهاجمی در خارج از امریکا. از آنجایی که امارت اسلامی افغانستان به رهبری طالبان که برخی از رهبران آن در اثر راهنمایی‌های سیاسی دولت ایالات متحده تربیه شده بودند، طراحان فاجعه‌ی ۱۱ سپتامبر نیویارک را در افغانستان جای داده بودند، از همه زودتر مورد نكوهش دولت امریکا قرار گرفت و سرنگون شد. برچیدن نظام طالبان یک ضرورت مبرم اجتماعی مردم افغانستان نیز بود. از همین سبب امپراطوری بوش دوم برچیدن نظام طالبان را به مثابه‌ی یک امر نیک می‌پندارد که برای مردم افغانستان نیز بدون شک چنین است.

بانک جهانی و آسیایی،

نقشی عمده در طرح برنامه‌های اقتصادی سیاست
جهان‌گرای لیبرالیسم نوین در افغانستان دارند.



ادامه از تحکیم جمهوری سوم...

فرانسه از طرف متفکر آن «روسو» به صورت مسوده ی وظایف دولت در مقابل شهروندان، مطرح شده بود. بدبختانه که اکنون این نظریه ی نیک به مثابه ی یک نیرنگ سیاسی از جانب جناح راست حزب جمهوری خواه امریکا، برای کشورهای محروم ارائه می گردد. واقعیت امر این است که آن عده از مقامات دولتی امریکا که صحبت از چنین دکترینی می نمایند، نه خود باوری به گفتار خود دارند و نه هم این گروه از جمله ی بشر دوستانی هستند که بتوانند لحظه ای هم از اندیشیدن به منافع خود و شرکت های خود فارغ بنشینند و در فکر مردم محروم جهان باشند. بل که بیشتر آنها کسانی اند که از مدت ۲۰ سال به این سو در مقامات دولتی امریکا کار می کنند و همواره در جستجوی راه هایی برای استفاده از منابع طبیعی کشورهای محروم بوده اند. هر کدام از این روشن گران جناح راست، حزب جمهوری خواه امریکا، زمانی را در هیأت های مدیره و کنترل چندین شرکت بزرگ فراملی (چند ملیتی)، سپری نموده اند.

پایه کردن برنامه ی سیاسی و اقتصادی این دکترین در کشوری فقیر چون افغانستان، به کمک و راهنمایی بانک جهانی صورت گرفته است. بانک جهانی و آسیایی، نقشی عمده در طرح برنامه های اقتصادی سیاست جهان گرای لیبرالیسم نوین در افغانستان دارند. چند روز پیش از انتخابات افغانستان، بانک جهانی گزارش آماری و اقتصادی خود را در باره ی اقتصاد افغانستان منتشر نمود. بر اساس گزارش بانک جهانی عاید ناخالص ملی برای هر نفر سالانه در افغانستان به ۲۳۳ دالر امریکایی رسیده است. بانک جهانی از این رشد اقتصادی ابراز رضایت نموده است. با در نظر داشت این که عواید گمرک ها و صادرات و واردات به خاطر تسلط جنگ سالاران در برخی از مناطق افغانستان هنوز در احصائیه ی دولت مرکزی افغانستان محاسبه نمی شود، با آن هم رشد اقتصادی چند ساله ی اخیر که از برکت سرازیر شدن کمک های خارجی و درآمد تریاک در این کشور به وقوع پیوسته است، افغانستان را از نگاه اقتصادی از برخی از کشورهای محروم افریقایی پیش گام تر ساخته است. آن چه که در اینجا بی درنگ باید اضافه نمود این است که سهم تریاک در مجموع عواید ناخالص ملی افغانستان رو به افزایش است و از این بابت بانک جهانی نیز نا رضایتی خویش را نشان داده است. (ادامه دارد)